

سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگی استانهای ایران

دکتر کرامت‌ا... زیاری

دانشیار مجتمع علوم انسانی دانشگاه یزد

چکیده

در این مقاله درجه توسعه یافتگی بخش فرهنگ در استانهای ایران با توجه به ۲۳ شاخص انتخابی فرهنگی اندازه‌گیری شده است. نتایج پژوهش گویای آن است که استان تهران در میان استانهای کشور، به دلیل شدت توسعه یافتگی فرهنگی، نسبت به سایر استانها ناهمگن است. استانهای تهران، سمنان، یزد، کرمان، اصفهان، مازندران، آذربایجان شرقی، گیلان در گروه دارای امکانات فرهنگی و استانهای خراسان، زنجان، چهارمحال و بختیاری، اردبیل، مرکزی، فارس، همدان و آذربایجان غربی در گروه استانهای نیمه برخوردار فرهنگی و استانهای کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، بوشهر، هرمزگان، کردستان، کرمانشاه، لرستان، ایلام و سیستان و بلوچستان جزو استانهای محروم از امکانات فرهنگی قرار دارند. از عوامل مؤثر در نابرابریهای فرهنگی استانها، نبود فرصتهای برابر در منابع، وجود نظام برنامه‌ریزی مرکزگرا و بهره‌گیری از الگوی توسعه «مرکز - پیرامون» بوده است. تخصیص بهینه منابع فرهنگی از پایین‌ترین استانها در نظام سلسله مراتب توسعه و سپس ارائه در فرصتهای برابر منابع به عنوان دو راهبرد اساسی توسعه فرهنگی توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: سنجش، توسعه یافتگی، توسعه فرهنگی

مقدمه

اندیشمندان توسعه و فرهنگ را به صور گوناگون تعریف کرده و تعابیر مختلفی از توسعه فرهنگی ابراز نموده‌اند. در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه در نتیجه تأثیر عوامل محیطی و جهانی، توسعه فرهنگی معانی مختلفی دارد که تا چند قرن پیش قابل تصور نبود. در بعد توسعه انسانی، اقتصادی و اجتماعی طی سالهای اخیر از نظر شاخصهای کیفی و کمی، درجه برخورداری یا سطوح توسعه یافتگی کشور و مناطق داخلی آنها بررسی و تحلیل شده است. اما در زمینه توسعه فرهنگی علی‌رغم وجود تحقیقات کیفی، تشریحی و توصیفی، پژوهشهای کمتری در بعد شاخصهای کمی و با بهره‌گیری از الگوهای مرسوم انجام شده است. در این مقاله پس از بررسی تحقیقات انجام شده در زمینه فرهنگ و توسعه فرهنگی و تبیین مبانی نظری آن و تدوین فرضیه لازم، با استفاده از ۲۳ شاخص کمی فرهنگی از طریق الگوی رایانه‌ای تاکسونومی عددی، چگونگی درجه برخورداری یا توسعه یافتگی استانهای کشور بررسی و تحلیل خواهد شد، تا به وجود یا فقدان تفاوت در میان سطوح فرهنگی استانهای کشور پی برده شود و سپس بر مبنای ضرایب برخورداری جایگاه سلسله مراتبی استانها، راهکارهای لازم برای بهبود وضعیت آنها ارائه گردد.

پیشینه تحقیق

بحث درباره فرهنگ از دیرباز در جهان سابقه داشته، ولی بررسی آن با دیدگاههای جدید در این اواخر رواج یافته است. نخستین بار در یونسکو بحث فرهنگ و توسعه مطرح شد. با اعلام اندیشه توسعه فرهنگی در سال ۱۹۵۰، دهه ۶۰-۱۹۵۰ به دهه اول توسعه شهرت یافت. در دهه ۷۰-۱۹۶۰ در کشورهای اروپایی مفاهیم و واژه‌های جدید چون توسعه فرهنگی و سیاست فرهنگی در عرصه فرهنگ مصطلح گردید (یونسکو ۱۹۷۵، صص ۱۸-۱۰). در سال ۱۹۷۰، نخستین کنفرانس در زمینه فرهنگ با شرکت نمایندگان ۸۵ کشور در ونیز برگزار شد. از این کنفرانس به بعد، در یونسکو به مقوله فرهنگ، توسعه فرهنگی، برنامه ریزی فرهنگی، سیاستگذاری فرهنگی، اقتصاد فرهنگی و پژوهش فرهنگی پرداختند و فرهنگ مانند آموزش جزء تفکیک ناپذیر توسعه اقتصادی، اجتماعی به حساب آمد و در تشکیلات آن سازمان

نهادهای فرهنگی ایجاد شد (ستاری ۱۳۵۴، ص ۱۵).

در کنفرانس جهانی ۱۹۸۲ مکزیکوسیتی به بررسی مفاهیم و تعاریف فرهنگ و توسعه و بعد فرهنگی توسعه و توسعه فرهنگی به صورت تشریحی و توصیفی پرداختند و فرهنگ عنصر ضروری توسعه تشخیص داده شد. در این کنفرانس بی توجهی به مؤلفه‌های فرهنگی را شکست توسعه و فرآیند توسعه را تحول فرهنگی قلمداد کردند. در این کنفرانس یک دوره دهساله به عنوان دهه جهانی توسعه فرهنگی پیشنهاد و در ۸ دسامبر ۱۹۸۶ در مجمع عمومی سازمان ملل تأیید و آغاز و انجام آن به طور رسمی اعلام شد (یونسکو ۱۹۸۰، ص ۱۳).

در سال ۱۹۸۰، در یونسکو، در مطالعات موردی طرحهای پژوهشی محلی، خصوصیات فرهنگی یک محیط خاص را به منظور دستیابی به دیدگاه اقتصادی محض مانع توسعه دانستند و توسعه فرهنگی را پویاترین عنصر در پروژه جوامع اعلام کردند (آرچتی ۱۹۹۱، ص ۱۸). در گزارشهای سالانه سازمان ملل که هر ساله در زمینه توسعه انسانی کشورها و جایگاه آنها منتشر می شود بر سه شاخص امید زندگی هنگام تولد، تولید ناخالص ملی و سواد تأکید شده و به دیگر شاخصهای فرهنگی توجه نشده است (دسجوکس ۱۹۹۰، ص ۲۱).

در سازمان بهداشت جهانی، شاخص آموزش جوامع را یکی از شاخصهای توسعه فرهنگی دانسته‌اند و معتقدند که تنها با آموزش و وسایل ارتباطی می توان به حل مسائل مختلف بهداشتی نایل آمد (همان، ص ۳۰).

در فائو، مؤلفه‌های فرهنگی را در توسعه روستایی منظور داشته‌اند، متصدیان این سازمان در سال ۱۹۹۰، در پروژه «جنگل و فرهنگ در آسیا»، با مقدس شمردن برخی از درختان موجب مشارکت مردم در مدیریت منابع جنگلی شده‌اند (فائو ۱۹۹۰).

اجلاس عمومی سازمان ملل در ۱۹۹۰ در مرور بر پروژه میان دوره‌ای دهه جهانی توسعه فرهنگی، ایجاد کمیسیون‌های منطقه‌ای و اقتصادی را برای ارزیابی عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه، ایجادکننده بالقوه شغل و درآمد دانسته است (سازمان ملل ۱۹۹۱).

واژه فرهنگ در ایران، در قرنهای گذشته بیشتر به معرفت النفس و بعدها به امور آموزشی اطلاق می شد. در برنامه‌های عمرانی اول (۱۳۲۷-۳۴) و دوم (۱۳۳۴-۴۱) فرهنگ به امور آموزشی اطلاق می شد و فصل یا بخش مستقلی به نام فرهنگ در این دو برنامه وجود نداشت. در برنامه سوم (۱۳۴۱-۴۶) فرهنگ فعالیتهای آموزشی دبستانی، دبیرستانی و عالی را در بر می گرفت و فعالیتهای فرهنگی و هنری را نیز در بطن خود جای داده بود. در جریان برنامه سوم وزارت فرهنگ به دو وزارتخانه آموزش و پرورش و فرهنگ و هنر تقسیم شد. در برنامه‌های اول

تا پنجم (۵۶-۱۳۲۷)، اگر چه به برنامه ریزی فرهنگی عنایتی داشته‌اند، ولی در آن به ابعاد توسعه فرهنگی توجهی نشده است. در برنامه‌های اول (۷۲-۱۳۶۸) و دوم (۷۸-۱۳۷۴) و سوم (۸۳-۱۳۷۸) توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران به مفهوم توسعه فرهنگی، معادل برنامه ریزی فرهنگی، به حساب آمده و مفهوم فرهنگ به رشد و تعالی انسانها و بهبود کیفیت زندگی فردی و جمعی اطلاق شده است (سازمان برنامه ۱۳۶۸، ۱۳۷۴، ۱۳۷۸). در همایشهای جامعه‌شناسی و توسعه (۱۳۷۰) و توسعه فرهنگی (۱۳۷۴) و دین، فرهنگ و توسعه (۱۳۷۷) و رویکرد فرهنگی به جغرافیا (۱۳۷۹) بیشتر به ابعاد نظری، توصیفی و تشریحی مقوله فرهنگ و توسعه فرهنگی توجه شده است. سعداله مسعودیان (۱۳۷۲) در تحقیقی پیرامون سیری در مؤلفه‌های فرهنگی جهان، توسعه فرهنگی را در ابعاد کمی مطرح کرده و شاخص آن را تیراژ روزنامه‌ها، کتاب، مجلات عمومی، مجلات تخصصی، کتابخانه، تولید کاغذ، مصرف کاغذ، تعداد سینما، فیلم، تعداد فرستنده‌های تلویزیونی و رادیویی، سواد، هنرها و موزه‌ها دانسته است. در این تحقیق بالا بودن هر شاخص در مقایسه با ارقام مشابه نشانه توسعه فرهنگی است.

مبانی نظری تحقیق

از پایان جنگ جهانی دوم به این سو «توسعه» به عنوان یکی از مهمترین مسایل در محافل دانشگاهی و برنامه ریزی کشورها مطرح بوده، به نحوی که در دهه ۱۹۹۰ غالب کشورها به بازنگری وضعیت خود در این خصوص پرداخته‌اند. نهادهای مرتبط با امر توسعه با استفاده از شاخصهایی چند و با بهره‌گیری از الگوهای خاص مبادرت به تعیین درجه توسعه یافتگی اقتصادی، اجتماعی کشورها نموده‌اند. اما مسأله مهم این است که مفهوم توسعه معنی ثابتی نداشته و در دهه‌های اخیر متحمل تغییراتی شده است. اغلب نظریه‌هایی که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مطرح شده، توسعه را دستیابی میزان بالاتری از نرخ رشد اقتصادی معرفی کرده است (تودارو، ۱۹۹۰، ص ۱۷). اما با انتقاد از این نظریه‌ها در دهه ۱۹۷۰، مفهوم توسعه به کاهش یا از میان رفتن فقر، بیکاری، نابرابری، تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی گرایش پیدا کرد. در مبانی جدید توسعه راه ورود انسان و جنبه‌های زندگی وی در نظر گرفته شد و به این نتیجه رسیدند که محتوی اصلی آن تأمین نیازهای اساسی، بهبود بخشیدن به شرایط زیستی افراد و جامعه است (هیولم و تورنر، ۱۹۹۰، ص ۱۳).

از آنجا که مفهوم توسعه بسیار گسترده است، ما براین عقیده‌ایم که توسعه از قوه به فعل درآوردن پتانسیل‌های افراد و اجتماع است.

فرهنگ هم مثل توسعه دارای تعاریف و مفاهیم متعددی است. فرهنگ عمید فرهنگ را معادل علم، دانش، ادب، آموزش، تعلیم و تربیت، کتاب، هنر، معرفت و آثار علمی یک ملت ذکر کرده است (عمید ۱۳۵۰، ص ۷۷۰).

فرهنگ در نظم و نثر فارسی به معنی دانش، ادب، آموزش و پرورش، هنر، معرفت، تأدیب، کتاب لغت، واژه‌نامه و دائرةالمعارف آمده است (بلوکباشی ۱۳۷۰، ص ۲). هوسرل عقیده دارد که فرهنگ ترکیب ذهنیتهای متفاوتی از تجربه‌های بشری است (توسلی ۱۳۷۰، ص ۳۵۷).

حسین عظیمی فرهنگ را مجموعه رفتارها و باورهای انسانی مبتنی بر نگرش علمی، برابری، احترام به حقوق دیگران، نظم‌پذیری و آزادی سیاسی می‌داند (۱۳۷۰، ص ۱۸۲). نظریه پرداز دیگری فرهنگ را اعتقادات، دانش، هنر، احساسات، تصورات، تمایلات، سلیقه، ادبیات، فلسفه، شعر، ایدئولوژی و ارزشها می‌داند (توسلی، همان، ص ۱۹).

در بیانیه مکزیک (۱۹۸۲) مؤلفه‌های فرهنگ مشتمل بر عقاید، حقوق بنیادین انسانی، نظام ارزشی، شیوه زندگی، هنر، ادبیات آمده است.

بدیهی است در مبانی نظری صاحب‌نظران و نهادها، از فرهنگ از دیدگاههای تشریحی، تاریخی، هنجاری، روان‌شناختی و ساختی تفاوت‌های چندی وجود دارد.

کارشناس یونسکو توسعه فرهنگی را در اعتلای تلاشهای مربوط به آفرینش، تأکید بر هنرها، تشویق به تولید صنایع دستی، بهبود آموزشهای هنری، مشارکت مردمی، توسعه نقش کتاب، مطالعه، سواد، انتشارات علمی، مطبوعات، رعایت حق مؤلف، تولیدات داخلی، میراث فرهنگی، بسط مبادلات فرهنگی، ادراک متقابل فرهنگها، انتشار شاهکارهای نمونه مبادله اطلاعات و آموزش عمومی می‌داند (همان، ص ۱۴).

آندره مالرو توسعه فرهنگی را همگانی کردن فرهنگ و از بین بردن نابرابریهای فرهنگی که ریشه در مقتضیات اقتصادی و اجتماعی مردم دارد، ذکر می‌کند (کاظمی ۱۳۷۴، ص ۴۱).

نظریه‌های مختلف توسعه، نگرش متفاوتی نسبت به فرهنگ دارند. پیروان نظریه نوگرایی سهم فرهنگ را در خلق ارزشهای جدید مؤثر می‌دانند و معتقدند که یک اجتماع هرگز به توسعه نمی‌رسد مگر اینکه اکثریت افراد آن اجتماع ارزشهای جدید را بپذیرند. پیروان نظریه سرمایه انسانی معتقدند که توسعه ملی در سرمایه انسانی نهفته است. بنابراین فرهنگ یک سرمایه‌گذاری

تولیدی است (مسعودیان، همان، صص ۳۰-۴۰).

با بررسی نظریه های متعدد در زمینه توسعه فرهنگی، می توان گفتار و ساخت مفاهیم آن را به صورت شاخصهای کمی بیان نمود. اهم این شاخصها در این پژوهش در بحث روش تحقیق ارائه شده است.

فرضیه تحقیق

فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از اینکه میان استانهای کشور از نظر درجه توسعه فرهنگی تفاوت وجود دارد.

روش تحقیق

روش پژوهش در این مقاله رویکردی توصیفی - تحلیلی است. از آنجا که جامعه آماری این تحقیق استانهای کشور است، ابتدا با کار میدانی و با مراجعه به مراکز فرهنگی استانها و منابع آماری، اطلاعات را براساس ۲۳ متغیر گردآوری کردیم تا شاخصهای مربوطه ساخته شود. مرحله بعد بهره گیری از برنامه کامپیوتری الگوی تاکسونومی عددی به نام تاکسون^۱ است که شاخصها وارد کامپیوتر می شود و چندین بار داده ها کنترل، سنجش و سپس استخراج می گردد تا اطمینان لازم به دست آید. پس از استخراج داده ها سرمشق توسعه و در نهایت ضرایب توسعه یا درجه توسعه یافتگی فرهنگی به دست می آید. از نظر کیفیت توسعه فرهنگی ضرایب صفر تا ۰/۷۷۴ دارای امکانات، ۰/۷۷۵ تا ۰/۸۸۴ دارای امکانات محدود و ۰/۸۸۵ تا ۱ محروم از امکانات فرهنگی نامیده می شود.*

1. Taxon

*. برای اطلاع از شرح الگوی تاکسونومی عددی رجوع شود به: زیاری، کرامت اله، اصول و روشهای برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه یزد،

متغیرها

برای سنجش درجه دارای امکانات فرهنگی استان، از ۲۳ شاخص فرهنگی به شرح زیر استفاده شده است:

۱. دانشجویان آموزش عالی (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)
۲. تعداد کتاب در کتابخانه‌ها (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)
۳. تعداد تماشاگران سینما (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)
۴. تعداد سالن‌های سینما (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)
۵. تعداد صندلیهای موجود در سینماها (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)
۶. شمارگان روزنامه‌ها (به ازای هر یک میلیون نفر)
۷. تعداد عناوین نشریات ادواری (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)
۸. شمارگان نشریات ادواری (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)
۹. تعداد عناوین روزنامه‌ها (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)
۱۰. تعداد کتابخانه‌ها (به ازای هر یک میلیون نفر)
۱۱. تعداد مراجعه‌کننده به کتابخانه‌ها (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)
۱۲. درصد جمعیت باسواد
۱۳. تعداد موزه‌ها (به ازای هر یک میلیون نفر)
۱۴. تعداد کتابفروشیها (به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر)
۱۵. تعداد مراکز نشر (به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر)
۱۶. شمارگان کتب منتشر شده (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)
۱۷. تعداد چاپخانه‌ها (به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر)
۱۸. تعداد سالن‌های هنری (به ازای هر یک میلیون نفر)
۱۹. تعداد اماکن نمایش تئاتر (به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر)
۲۰. تعداد اماکن مذهبی (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)
۲۱. میزان تولید برنامه رادیویی به ساعت
۲۲. میزان تولید برنامه تلویزیونی به ساعت
۲۳. درصد جمعیت زیرپوشش شبکه اول

حاصل بحث

جدول شماره ۱ که ضرایب دارای امکانات یا درجه توسعه یافتگی فرهنگی استانهای کشور براساس شاخصهای انتخابی و با بهره‌گیری از الگوی کامپیوتری تاکسونومی عددی را نشان می‌دهد مبین تفاوت آشکار در میزان درجه توسعه یافتگی فرهنگی در بین استانهای کشور است. بدین نحو فرضیه اساسی تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد و ناهمگنی در سطوح دارای امکانات فرهنگی استانهای کشور کاملاً مشهود می‌گردد. استان تهران دارای بالاترین و استان سیستان و بلوچستان دارای پایین‌ترین درجه توسعه یافتگی فرهنگی است.

در این بررسی جایگاه سلسله مراتبی استانهای کشور براساس میزان درجه توسعه یا امکانات فرهنگی مبتنی بر شاخصهای انتخابی و روش پژوهش به شرح زیر است:

- ۱) تهران، ۲) سمنان، ۳) یزد، ۴) کرمان، ۵) اصفهان، ۶) مازندران، ۷) آذربایجان شرقی، ۸) گیلان، ۹) خراسان، ۱۰) زنجان، ۱۱) چهارمحال و بختیاری، ۱۲) اردبیل، ۱۳) مرکزی، ۱۴) فارس، ۱۵) همدان، ۱۶) آذربایجان غربی، ۱۷) کهگیلویه و بویراحمد، ۱۸) خوزستان، ۱۹) بوشهر، ۲۰) هرمزگان، ۲۱) کردستان، ۲۲) کرمانشاهان، ۲۳) لرستان، ۲۴) ایلام، ۲۵) سیستان و بلوچستان.

هشت استان تهران، سمنان، یزد، کرمان، اصفهان، مازندران، آذربایجان شرقی و گیلان به عنوان استانهای دارای امکانات فرهنگی، هشت استان خراسان، زنجان، چهارمحال و بختیاری، اردبیل، مرکزی، فارس، همدان و آذربایجان غربی در گروه استانهای دارای امکانات محدود و بقیه استانهای کشور مشتمل بر کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، بوشهر، هرمزگان، کردستان، کرمانشاهان، لرستان، ایلام و سیستان و بلوچستان به عنوان استانهای محروم از امکانات فرهنگی محسوب می‌شوند.

جدای از تهران، در میان گروه استانهای دارای امکانات فرهنگی؛ استان سمنان و یزد در سطحی بالاتر نسبت به بقیه جای دارند. مقایسه داده‌ها حاکی از آن است که در میان استانهای دارای امکانات فرهنگی هم ناهمگنی در درجه توسعه وجود دارد. در این میان مقایسه ضرایب سمنان و گیلان مبین این واقعیت است.

در میان استانهای دارای امکانات محدود فرهنگی تفاوت در درجه توسعه یافتگی کاملاً وجود دارد. بالاترین تفاوت میان استانهای خراسان و آذربایجان غربی است. گرچه انتظار

می‌رفت استانهای خراسان و فارس و همدان به جهت سابقه و ساختار خاص فرهنگی در حد بالاتری قرار گیرند، اما داده‌های جدول حاکی از پایین بودن جایگاه آنها در نظام سلسله مراتبی توسعه فرهنگی کشور است. گرچه مشهد و شیراز دو کلان شهر کشور طی چهل سال گذشته دارای جایگاه ویژه‌ای در نظام شهرنشینی و برنامه‌ریزی کشور بوده‌اند ولی وجود نقاط شهری و نواحی روستایی حاشیه‌ای و منزوی در محدوده این دو استان بر پایین بودن جایگاه آنها در نظام توسعه یافتگی فرهنگی کشور افزوده است.

در این بررسی نه استان در طبقه سوم یعنی در شمار استانهای محروم قرار می‌گیرند. این استانها عمدتاً با مرکز سیاسی کشور فاصله دارند و به اصطلاح منزوی شده‌اند.

در میان استانهای گروه‌بندی شده از لحاظ کیفیت توسعه نیز عدم تعادل و نابرابری وجود دارد. استان تهران از یکسو به لحاظ نقش کلان شهری تهران به کلی تفوق و برتری خود را در نظام فرهنگی کشور حفظ کرده است و از استانهای پایین دست خود بریده است. بدیهی است این استان به علت وجود کلان شهر تهران که مدت دو قرن به لحاظ اقتصاد سیاسی و بیش از نیم قرن به لحاظ شهر مسلط کشور از زوایای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی ایفای نقش می‌نماید، همواره خدمات فرهنگی متمرکز را به نحو احسن دارا بوده است. از طرف دیگر برای خاطر نقش محوری، تهران در روابط جهانی در رأس رتبه‌بندی توسعه فرهنگی کشور قرار دارد. این استان که در دو قرن گذشته برای خاطر نقش محوری در کشور، سرمایه‌گذاریهای خاص اقتصادی، فرهنگی و کالبدی و انواع رانت‌ها را در آن شاهد بودیم بالاترین زیرساختهای فرهنگی را نیز از آن خود کرده است. بنابراین از نظر ضریب توسعه فرهنگی فاصله بسیار فاحشی با بقیه استانهای کشور، حتی گروه دارای امکانات فرهنگی، پیدا کرده است.

روشن است که در استانهای کشور از نظر درجه توسعه یافتگی فرهنگی نابرابری وجود دارد و شکاف میان آنها کاملاً مشهود است. مسأله مهم در این زمینه رویکرد حاکم بر نظام و روند برنامه‌ریزیهای ملی و منطقه‌ای؛ طی پنجاه سال تجربه برنامه و برنامه‌ریزی در کشور است. ایران از سال ۱۳۲۷ تاکنون عملاً ۷ برنامه عمرانی میان مدت را عملی کرده است و اکنون در آستانه سال دوم اجرای برنامه سوم به سر می‌برد. در تمام این برنامه‌ها دیدگاهها و تصمیم‌گیریهای متمرکز حاکم بوده و از الگوی توسعه «مرکز - پیرامون» استفاده شده است. و در حقیقت حجم بیشتر سرمایه‌گذاریهای فرهنگی را تهران، که مرکز کشور است و استانهای مجاور آن از آن خود

کرده‌اند و مقدار اندکی از سرمایه‌گذاری فرهنگی نصیب استانهای حاشیه و مرزی کشور شده است.

بدیهی است در میان استانهای محروم فرهنگی از نظر شاخصهای انتخابی هم ناهمگنی مشاهده می‌شود. برخی از این استانها دارای منابع حیاتی مانند نفت و معدن و طبیعی می‌باشند، ولی از نظر توسعه فرهنگی در جایگاه پایین‌تری در مقایسه با استانهایی که از نظر منابع طبیعی پایین‌ترند، قرار دارند. همان‌طور که اشاره شد علت اساسی عدم تعادل در توسعه فرهنگی استانهای کشور به کارگیری الگوهای توسعه خاص مرکز گراست. به نحوی که استانهایی که در حاشیه غربی و شرقی کشور قرار دارند در پایین‌ترین سطح توسعه یافتگی جای می‌گیرند. مسأله توسعه برون‌زا، تفاوت‌های ناشی از شرایط جغرافیایی و تاریخی، تفاوت‌های ناشی از دسترسی به منابع برون‌زا و تفاوت‌های ناشی از شرایط و برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، نظامی مبتنی بر دارای امکانات، دارای امکانات محدود و محروم از امکانات فرهنگی را تبیین نموده است.

به نظر می‌رسد الگوهای توسعه بهتر است با توجه به شرایط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی کشور انتخاب شوند و در نظام برنامه ریزی کشور به برنامه ریزی فضایی در زمینه برنامه ریزی منطقه‌ای و دوری از برنامه ریزی بخشی بیشتر توجه شود.

برای بهبود شاخصهای توسعه فرهنگی استانها، کاهش پراکندگی توسعه فرهنگی، با تغییر دادن اولویتهای تخصیص منابع فرهنگی و امکانات و زیرساختها به نفع استانهای با توسعه فرهنگی پایین‌تر، افزایش نرخ باسوادی، گسترش آموزش عالی و تمرکز زدایی از شهر مسلط تهران، توجه به زیرساختهای فرهنگی، همچون کتابخانه‌ها، تأسیسات و تجهیزات آموزشی، توجه به انتشار روزنامه‌های محلی، نشریات ادواری، افزایش مرکز نشر و توسعه تولید برنامه‌های صدا و سیما و رفع نابرابریها از شاخصها توصیه می‌شود.

نتیجه

در ایران استانها به لحاظ توسعه یافتگی فرهنگی یکسان و برابر نیستند و اغلب در گروه دارای امکانات، دارای امکانات محدود و محروم از امکانات فرهنگی قرار دارند. همواره تفاوت آشکاری در میزان درجه توسعه فرهنگی آنها براساس شاخصهای انتخابی وجود دارد. استان تهران به لحاظ ساختار و زیرساختهای خاص سیاسی، اقتصادی و کالبدی در مقایسه با بقیه استانها ناهمگن تر است و در جایگاه نخست قرار می‌گیرد. مسأله مهم در ناهمگنی توسعه فرهنگی کشور؛ وجود ساختار خاص نظام برنامه‌ریزی و به کارگیری الگوهای عاریتی، بخصوص الگوی توسعه «مرکز - پیرامون»، است. بدیهی است که سالها اکثر سرمایه‌گذارها در بخش مرکزی کشور بوده و به حاشیه کشور کمتر توجه شده است.

لازمه کاهش تفاوت‌های استانی از لحاظ توسعه یافتگی فرهنگی توجه به برنامه‌ریزی منطقه‌ای و اصلاح نظام برنامه‌ریزی کشور و دوری از برنامه‌ریزی بخشی و پیروی از سیاستهای متعادل و متوازن در ایجاد فرصت برابر برای منابع در تمام استانهاست.

بدیهی است در برنامه‌ریزی منطقه‌ای (منطقه منطبق بر مرز یک استان)، باید به استانهای کمتر توسعه یافته (محروم) فرهنگی، با کاربرد بهینه منابع در برنامه‌ریزی متوازن بیشتر توجه شود. بنابراین، در برنامه‌ریزیها استانهای محروم (سیستان و بلوچستان، ایلام، لرستان، کرمانشاه، کردستان، هرمزگان، بوشهر، خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد) حق تقدم دارند.

جدول شماره ۱. درجه توسعه یافتگی استانهای ایران براساس شاخصهای انتخابی فرهنگی

در سال ۱۳۷۸

ردیف	استان	سرمنشق توسعه	درجه توسعه	کیفیت توسعه
۱	تهران	۰/۷۸۹۹۲	۰/۴۹۰۶۰	دارای امکانات
۲	سمنان	۹/۹۰۸۴۳	۰/۶۱۵۴۸	
۳	یزد	۹/۹۳۱۰۲	۰/۶۱۶۸۹	
۴	کرمان	۱۰/۹۶۱۰۲	۰/۷۲۱۳۵	
۵	اصفهان	۱۱/۸۳۷۴۴	۰/۷۳۵۳۱	
۶	مازندران	۱۲/۰۵۶۷۴	۰/۷۴۸۹۳	
۷	آذربایجان شرقی	۱۲/۲۶۲۰۱	۰/۷۶۱۶۸	
۸	گیلان	۱۲/۴۵۷۹۴	۰/۷۷۳۸۵	
۹	خراسان	۱۲/۵۶۸۴۸	۰/۷۸۰۷۲	دارای امکانات محدود
۱۰	زنجان	۱۳/۱۹۲۷۸	۰/۸۱۹۵۰	
۱۱	چهارمحال و بختیاری	۱۳/۳۳۲۲۴	۰/۸۲۸۱۶	
۱۲	اردبیل	۱۳/۳۷۶۴۵	۰/۸۳۰۹۱	
۱۳	مرکزی	۱۳/۳۹۱۵۹	۰/۸۳۱۸۵	
۱۴	فارس	۱۳/۶۱۹۹۷	۰/۸۵۶۰۳	
۱۵	همدان	۱۴/۱۵۲۱۸	۰/۸۷۹۰۹	
۱۶	آذربایجان غربی	۱۴/۲۴۶۱۸	۰/۸۸۴۹۳	
۱۷	کهگیلویه	۱۴/۲۵۱۷۷	۰/۸۸۵۲۸	محروم از امکانات فرهنگی
۱۸	خوزستان	۱۴/۲۷۹۰۳	۰/۸۸۶۹۷	
۱۹	بوشهر	۱۴/۳۷۴۴۱	۰/۸۹۲۹۰	
۲۰	هرمزگان	۱۴/۴۷۸۱۸	۰/۸۹۹۳۴	
۲۱	کردستان	۱۴/۶۲۹۱۲	۰/۹۰۸۷۲	
۲۲	کرمانشاه	۱۴/۷۷۳۴۴	۰/۹۱۷۶۸	
۲۳	لرستان	۱۴/۸۹۸۴۸	۰/۹۲۵۴۵	
۲۴	ایلام	۱۵/۰۲۳۵۲	۰/۹۳۳۲۲	
۲۵	سیستان و بلوچستان	۱۵/۰۸۲۲۹	۰/۹۳۶۸۷	

مآخذ

- تودارو، مایکل (۱۹۹۰)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، نشر مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، تهران.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۰)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات سمت، تهران.
- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۷۸)، اصول و روشهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه یزد.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۲۷)، برنامه اول عمرانی کشور، تهران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۳۴)، برنامه دوم عمرانی کشور، تهران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۱)، برنامه پنجم عمرانی کشور، تهران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۸)، برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۴)، برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۸)، برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- ستاری، جلال (۱۳۵۴)، درباره فرهنگ، وزارت فرهنگ و هنر، اداره کل نگارش، تهران.
- سمینار جامعه‌شناسی و توسعه (۱۳۷۰)، خلاصه مقالات، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- سمینار توسعه فرهنگی (۱۳۷۴)، خلاصه مقالات، دانشگاه تهران.
- سمینار رویکرد فرهنگی به جغرافیا (۱۳۷۹)، خلاصه مقالات، دانشگاه مشهد.
- عظیمی آرانی، حسین (۱۳۷۰)، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، نشر نی، تهران.
- عمید، حسن (۱۳۵۰)، فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- فرهنگ عامه (۱۳۷۰)، انتشارات آموزش و پرورش، تهران.
- مسعودیان، سعداله (۱۳۷۲)، سیری در مؤلفه‌های فرهنگی جهان، مرکز پژوهشهای کاربردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- وزارت ارشاد اسلامی (۱۳۷۷)، دین فرهنگ و توسعه، تهران.

Paris: UNESCO Publications.

- Desjeux, D. (1990) *Essay on Training in Culture*. Paris: UNESCO Publications.
- UNESCO (1975) *Final Report of the International Conference on Cultural Policies in Africa*. Paris: UNESCO Publications.
- — (1982) *Mexico City Declaration on Cultural Policy*, Mexico City.
- UNESCO / FAO (1990) *Forest and Culture in Asia*. Bangkok: UNESCO FAO Publications.
- United Nations, (1991) *World Decade for Cultural Development Operative*. New York: United Nation Publications.